

بررسی رابطه نشانگان روان شناختی با شادکامی کارکنان

بانک توسعه تعاون

منطقه سه کشور

نگارش:

جعفر شیرجنگ

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه نشانگان روان شناختی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون منطقه سه کشور در سال ۱۳۹۵ می باشد، برای آزمون فرضیه های تحقیق از چک لیست نشانه یابی ۹۰ سؤالی SCL-90-R برای اندازه گیری مولفه های نشانگان روانشناختی و از آزمون شادکامی آکسفورد آرگایل و لو برای سنجش شادکامی استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق کارکنان بانک توسعه تعاون به تعداد ۱۱۰ پرسنل می باشد و به دلیل محدود بودن نمونه تحقیق، کل جامعه تحقیق به صورت سرشماری جهت پر کردن پرسشنامه انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه ها نیز از آزمون همبستگی پیرسون و نتایج آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون نشان داده شد که بین مولفه های نشانگان روانشناختی و شادکامی رابطه معنی دار وجود دارد و می توان از روی مولفه های روانشناختی، شادکامی افراد را پیش بینی کرد و مولفه بیشترین سهم را با شادکامی کارکنان بانک داشت

کلید واژه ها:

شادکامی، نشانگان روانشناختی، رگرسیون، بانک توسعه تعاون

مقدمه

موضوع تحول و بهبود در سازمان، جامعیت دارد و به تغییرات در بیش از یک بعد از اجزای اصلی سازمان توجه دارد. از آنجا که سازمانها مخلوق بشرند و نیز برای امتداد بقای آنها، انسان رابطه اول را دارد، فرد یکی از مهمترین عوامل در تغییرات وسیع سازمانی است و توانمندسازی کارکنان یکی از تکنیکهای موثر برای افزایش بهره‌وری کارکنان و استفاده بهینه از ظرفیت و توانایی‌های فردی و گروهی آنها در راستای اهداف سازمانی است. با بررسی مسایل روانشناختی از طریق توسعه و گسترش نفوذ و قابلیت افراد و تیم‌ها به بهبود و بهسازی مستمر عملکرد کمک می‌شود. به عبارت دیگر توانمندسازی یک راهبرد توسعه و شکوفایی سازمانی است. فضای زندگی رابطه مهمی در سلامت جسمانی و روان‌شناختی انسان دارد و بروز هرگونه محدودیت در جنبه‌های مختلف این فضا می‌تواند باعث افزایش آسیب‌پذیری شود. در این راستا، بررسی مؤلفه‌های مختلف روان‌شناختی و رفتاری کارکنان یکی از موضوعات اساسی مورد بررسی روان‌شناسان و کارشناسان علوم اجتماعی می‌باشد (خدایاری و همکاران، ۲۰۰۹).

در عصر پسا مدرن که زندگی‌ها هر چه بیشتر و بیشتر متنوع و متفاوت شده‌اند، آگاهی‌ها و توانمندی‌ها نیز در تمامی سطوح باید هم‌تراز این تغییرات تغییر کنند. به علاوه، در دو دهه‌ی اخیر بروز سبک‌های مختلف زندگی و تاثیر آن بر هویت و هویت‌سازی باعث شده است تا عالمان اجتماعی و فرهنگی تاثیر آن را بر هویت اجتماعی نیز مورد مطالعه قرار دهند. تنوع و تفاوت انواع شادی و نشاط در بین گروه‌های مختلف قومی، سنی، اجتماعی و اقتصادی نشان از اهمیت این مساله در تحقیقات اجتماعی دارد. جامعه امروز ایران، به خصوص با خیل عظیم جمعیت جوان آن نیز از این تغییرات بی‌نصیب نمانده است.

شادکامی مفهومی جدید بوده و قدمت آن به چند دهه گذشته، یعنی از زمان سربرآوردن روانشناسی مثبت نگر برمی‌گردد. این مفهوم معمولاً به صورت یک حالت ذهنی یا احساسی مانند خشنودی، رضایت، لذت و خوشی ادراک شده توسط انسان تعریف می‌شود. در تحلیل مفهوم شادکامی نظریه‌پردازان بیشتر به دو مؤلفه شناختی و هیجانی اشاره می‌کنند. مؤلفه شناختی بیشتر بر رضایت از زندگی و مؤلفه هیجانی بیشتر بر حالت‌هایی مانند خندیدن، شوخ طبعی و همچنین تعادل میان هیجان‌های مثبت و منفی، دلالت دارند. متفکران مذهبی و فلاسفه معمولاً شادکامی را به عنوان زیستن در چارچوب یک زندگی مطلوب تعریف کرده‌اند. همچنین از دیدگاه آنان شادکامی صرفاً یک هیجان نیست بلکه نوعی شکوفایی و دستیابی به حقیقت محسوب می‌شود. چنانچه ارسطو شادی را فعالیت روح با تقوا و پرهیزکار انسان بر اساس شعور و استدلال و افلاطون شادی را تعادل میان سه عنصر استدلال، هیجان و امیال می‌داند (گنجی، ۱۳۹۳).

امروزه روانشناسان با اشاره به اصطلاحاتی چون بهزیستی و کیفیت زندگی درباره پدیده‌هایی بحث می‌کنند که محور اصلی آن‌ها شادکامی است. محققان عوامل متعددی را در به وجود آمدن و پایدار ماندن شادی موثر دانسته‌اند از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: برقراری و حفظ روابط بین فردی منسجم و داشتن تماس اجتماعی مداوم و پایدار، ازدواج و زندگی زناشویی، مذهب و معنویت، بخشایش، ثروت و پول، عوامل زیست محیطی چون آب و هوا و موقعیت جغرافیایی، وضعیت جسمانی، اوقات فراغت، رضایت شغلی، تحصیلات، سن و غیره می‌باشد.

بیان مساله

شادکامی مفهوم پیچیده‌ای است که در طول تاریخ توسط فلاسفه و اندیشمندان زیادی به آن پرداخته شده است. روان شناسی دیگر تنها به بیماری‌های روانی و ذهنی نمی‌پردازد (آرین، ۲۰۰۴). در حقیقت، هدف اصلی سلامت روان، کمک به افراد در زندگی شاد تر و همچنین تشخیص و پیشگیری از اختلالات رفتاری، هیجانی، روانشناختی و شخصیتی است. در همین راستا، وظیفه خطیر دولتمردان، آن است که به منظور ایجاد جامعه‌ای سالم، از اختلالات روانی جلوگیری کنند. در نتیجه، هر جامعه‌ای که به دنبال شادکامی است می‌بایست به طور جدی جنبه‌های شادی و عوامل تقویت کننده آن را در نظر بگیرد (اسماعیلی فر و همکاران، ۲۰۱۳). واژه شادکامی چندین مفهوم متفاوت را به ذهن متبادر می‌کند (برای مثال شادی، خوشنودی، لذت، خوشایندی و ...) از این رو تعدادی از روان شناسان به اصطلاح بهزیستی ذهنی اشاره می‌کنند که یک اصطلاح چتری و در برگیرنده انواع ارزشیابی‌هایی است که فرد از خود و زندگی‌اش به عمل می‌آورد (دانیس، ۲۰۰۲). این ارزشیابی‌ها، مواردی از قبیل رضایت از زندگی، هیجان و خلق مثبت و فقدان افسردگی و اضطراب را شامل می‌شود و جنبه‌های مختلف آن نیز به شکل شناخت‌ها و عواطف است (دانیس و ساه، ۱۹۹۷). در صورتی که افراد از شرایط زندگی راضی بوده و عواطف مثبت بیشتر و عواطف منفی کمتری را تجربه کنند، گفته می‌شود که از بهزیستی ذهنی بالایی برخوردارند. اصطلاح بهزیستی ذهنی، اصطلاح روان‌شناختی معادل شادی است که به دلیل مفاهیم بسیاری که در خود نهفته دارد، ارجح است. اما با این وجود در ادبیات مربوط به جای یکدیگر بکار می‌روند (ادینگتون و شومن، ۲۰۰۴).

شادکامی کارکنان پیامدهای قابل توجهی برای سلامت و عملکرد فردی و سازمانی در بر خواهد داشت. اگرچه طولانی بودن سلامت محل کار به یک نگرانی برای محققان سازمانی تبدیل شده است، یافته‌های اخیر نشان می‌دهد که در حال حاضر توجه به شادکامی کارکنان امری ضروری است. شادکامی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر است که تأثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان دارد و همه انسان‌ها شادکامی را خود و برای افراد مورد علاقه‌شان می‌خواهند. از اول تا کنون به احساسات مثبت انسان از جمله شادکامی توجه شده است. افلاطون در کتاب جمهوری به سه عنصر در وجود انسان اشاره می‌کند که عبارتند از: قوه عقل یا استدلال، احساسات و امیال. وی شادکامی را حالتی از انسان می‌داند که بین این سه عنصر، تعادل و هماهنگی وجود داشته باشد. ارسطو معتقد است دست‌کم سه نوع شادمانی وجود دارد؛ در پایین‌ترین سطح، شادی را همان لذت می‌داند؛ در سطح بالاتر شادی همان موفقیت و کامیابی است و نوع سوم شادی از نظر ارسطو، شادی ناشی از معنویت است.

بررسی‌های شخصیتی در مورد شادکامی نشان می‌دهد که افراد شاد و ناشاد، نیمرخ‌های شخصیتی متمایز دارند. در فرهنگ‌های غربی، افراد شاد برون‌گرا و خوش‌بین هستند و از عزت نفس بالا و کنترل درونی برخوردارند. در مقابل، افراد ناشاد به سطوح بالایی از روان‌رنجوری گرایش دارند. در واقع اگر در سازمان‌ها شادکامی در محیط کار در سطح بالایی وجود داشته باشد، با استفاده از منابع موجود می‌توان استعدادهای بالقوه اعضا را در زمان مناسب و با صرف حداقل هزینه‌ها به عمل تبدیل کرد و از آنها برای افزایش بهره‌وری سازمانی استفاده نمود و با افزایش مداوم شادکامی، هزینه‌های اضافی سازمان را کاهش داد. با توجه به موارد گفته شده هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه نشانگان روانشناختی بر شادکامی کارکنان می‌باشد و بدین منظور به این موضوع خواهیم پرداخت که آیا نشانگان روانشناختی در شادکامی کارکنان رابطه دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اهمیت و رابطه شادکامی در ابعاد همه‌جانبه زندگی افراد، در سالهای اخیر، پژوهشگران مختلف به بررسی عوامل موثر بر شادکامی علاقه مند شده‌اند در این زمینه پرسش‌های مهمی مطرح شده است؛ از جمله اینکه آیا شادی در خانواده نهفته است یا در اجتماع؟ آیا شادی ریشه در محیط دارد یا وراثت؟ آیا بین جنسیت و شادی رابطه‌ای وجود دارد؟ و... چنین پرسش‌هایی نشان از اهمیت شادکامی دارد.

اولین لازمه شادی و شادزیستن، تفکر مثبت است. به گفته «ویلیام جیمز»، این اندیشه‌هایمان است که زندگی مان را شاد یا غمگین می‌کند. وقتی تفکر انسان منفی باشد، احساس نیز منفی می‌شود و با تفکر و احساس منفی، عملکرد منفی از انسان سرمی‌زند. انسان‌ها با توجه به تفکرات متفاوتی که دارند، در مورد موقعیتی یکسان، تفسیر و تحلیل متفاوتی از خود ارائه می‌دهند. عده‌ای موقعیت پیش‌آمده را فاجعه می‌دانند و عده‌ای تنها یک موقعیت ناخوشایند. اگر به دنبال شادزیستن هستیم، باید بدانیم همان‌طور که هر قفلی با کلید خاص خودش باز می‌شود، قفل هر مشکل هم تنها با راه حل خاص خودش باز می‌شود. اگر نمی‌توانیم مشکلی را حل کنیم، شاید دچار جبر تکرار شده باشیم یعنی از راه حل‌های تکراری، توقع نتیجه مطلوب و دلخواه‌مان را داریم. (گوهری و همکاران، ۱۳۸۲).

بررسی مطالعات حوزه شادکامی نیز نشان می‌دهد که یکی از مهمترین عوامل در ایجاد شادکامی، پرداختن به مسایل روانشناختی است (بن مک‌ناویل، ۲۰۰۳). مطالعات نشان داده است که کسانی که عزت نفس بالایی دارند موجب افزایش شادی می‌گردند. اختلالات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب بر زندگی میلیون‌ها نفر از مردم جهان تاثیر گذاشته و با افزایش مرگ و میر و هزینه مراقبت‌های بهداشتی ارتباط دارد. این مساله بسیار جدی و دردناک است و می‌تواند زندگی شخص، خانواده، دوستان و دیگران را مختل نماید. این اختلالات در سنین مختلف و با درجات گوناگون بروز می‌نمایند.

با انجام تحقیقاتی در این زمینه می‌توان نشان داد که بین نشانگان روانشناختی با شادکامی در بین کارمندان بانک توسعه و تعاون روابطی وجود دارد و راهکارهایی را سبب کاهش اضطراب و افسردگی، افزایش اعتماد به نفس و خودباوری، بخصوص در زمینه شادکامی ارایه می‌شود. بنابراین در این به بررسی تاثیر نشانگان روانشناختی بر روی شادکامی و پیش‌بینی آن پرداخته تا از نتایج آن جهت بهبود فضای کار برای کارکنان بانک توسعه تعاون مورد استفاده شود.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

تعیین رابطه هریک از مولفه های نشانگان روانشناختی (شکایات جسمانی، وسواس اجباری، حساسیت در روابط بین فردی، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی، و روانپریشی) با شادکامی .

اهداف فرعی

- تعیین رابطه نشانگان شکایات جسمانی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون
 - تعیین رابطه نشانگان وسواس اجباری با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون .
 - تعیین رابطه نشانگان حساسیت با روابط بین فردی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون.
 - تعیین رابطه نشانگان افسردگی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون.
 - تعیین رابطه نشانگان اضطراب با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون .
 - تعیین رابطه نشانگان پرخاشگری با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون
 - تعیین رابطه نشانگان افکار پارانوئیدی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون.
 - تعیین رابطه نشانگان افکار پارانوئیدی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون
 - تعیین رابطه نشانگان روانپریشی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون.
- بررسی تحقیقات انجام شده

بخش اول: پیشینه داخلی

اصغری راد و شهریاری (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان اثر بخشی آموزش مهارت های مثبت اندیشی بر انگیزه پیشرفت و شادکامی معلولین پرداختند. بر این اساس یک نمونه ۴۰ نفری از معلولین جسمی - حرکتی مذکر در رده سنی ۲۰ تا ۲۴ سال شهر جاجرم (خراسان شمالی) که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و تحت آموزش مهارت های مثبت اندیشی به مدت ۸ جلسه یک و نیم ساعته قرار گرفتند، میزان انگیزه پیشرفت نمونه با پرسشنامه انگیزه پیشرفت ACMT و میزان شادکامی با سیاهه شادکامی آکسفورد (۱۹۸۹)، اندازه گیری شد. پژوهش از نوع نیمه آزمایشی (مداخله ای) با پیش آزمون و

پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل است، که تعداد ۴۰ نفر از آزمودنی‌ها که نمرات پایینی از نظر میزان انگیزه پیشرفت و شادکامی کسب کرده بودند، به انتخاب و به دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) تقسیم شدند. نتایج آزمون با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با بررسی نمونه‌ها نتایج نشان داد، آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی در افزایش انگیزه پیشرفت و شادکامی به طور معناداری موثر بوده است. یافته‌ها بیانگر تاثیر آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی بر افزایش انگیزه پیشرفت و شادکامی معلولین جسمی - حرکتی می‌باشد.

فرجی، کاظمی و دیده‌روشنی، (۱۳۹۲) در یافتند که اختلال جسمانی کردن با علائمی جسمی بسیار که بر اساس معاینه جسمی و آزمایش‌های لابراتواری، قابل توجه کافی نیستند مشخص می‌باشد. این اختلال معمولاً قبل از ۳۰ سالگی شروع می‌شود، ممکن است سال‌ها دوام پیدا کند و با ترکیبی از درد و علائم گوارشی، جنسی، و عصبی کاذب مشخص است. اختلال جسمانی کردن از سایر اختلالات شبه-جسمی با توجه به تعدد شکایات و دستگاه‌های متعدد (مثلاً گوارشی و اعصاب) تفکیک می‌شود. این اختلال مزمن است و با ناراحتی روان‌شناختی قابل ملاحظه، اختلال در عملکرد اجتماعی و شغلی و رفتار افراطی در جستجوی کمک طبی همراه می‌باشد. اختلال جسمانی کردن از زمان مصر قدیم شناخته شده بوده است. نام اولیه اختلال جسمانی کردن هیستری بود، اختلالی که اشتباهاً تصور می‌شد فقط زن‌ها را مبتلا می‌کند. میزان شیوع اختلال جسمانی کردن در طول عمر برای جمعیت کلی ۰/۲ تا ۲ درصد در زنان و ۰/۲ درصد در مردان تخمین زده می‌شود. تعداد زن‌های مبتلا به اختلال جسمانی کردن ۵ تا ۲۰ برابر بیشتر از مردها است.

بخش دوم: پیشینه خارجی

سلیگمن و همکارانش (۲۰۱۲) در بررسی ارتباط میان شادکامی و رضایت مندی از زندگی، شادکامی را دارای اجزایی سه‌گانه معرفی کردند که شامل روابط اجتماعی قوی و مطلوب (جزء اجتماعی)، حالت‌های خلقی پایدار و شاد (جزء هیجانی) و مثبت‌اندیشی در تفسیر اطلاعات محیط (جزء شناختی) می‌باشد.

آرجیل و همکاران (۱۹۹۵)، اظهار داشتند، شادکامی ۳ جزء اساسی دارد. «هیجان مثبت»، «رضایت از زندگی» و «نبود هیجان‌ات منفی از جمله افسردگی و اضطراب». «همچنین آنان دریافتند، روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیتی، دوست داشتن دیگران و زندگی از اجزاء شادکامی هستند. شادکامی، تحت تاثیر عوامل مختلف روانی

خلاصه یافته‌ها

در قسمت آمار استنباطی قبل از آزمون فرضیه‌ها توزیع نرمال مورد آزمون قرار گرفت و نشان داد که توزیع‌ها نرمال هستند. جهت بررسی فرضیه‌ها یک تا نه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

۱- آزمون فرضیه یک

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و شکایات جسمانی رابطه معناداری و منفی وجود دارد. و با افزایش شکایات جسمانی ، شادکامی کاهش می یابد و با مطالعات انیس و همکاران(۱۳۹۳) هم خوانی دارد، بنابراین فرضیه تایید می شود.

۲-آزمون فرضیه دوم

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و وسواس اجباری رابطه معناداری و منفی وجود دارد. و با افزایش وسواس اجباری، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود.

۳- آزمون فرضیه سه

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و حساسیت در روابط بین فردی رابطه معناداری و منفی وجود دارد. و با افزایش حساسیت روابط ، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود.

۴- آزمون فرضیه چهارم

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و نشانگان افسردگی رابطه معناداری وجود دارد. و با افزایش افسردگی، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود.

۵- آزمون فرضیه پنجم

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و نشانگان اضطراب رابطه معناداری و منفی وجود دارد. و با افزایش اضطراب، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود

۶- آزمون فرضیه ششم

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و نشانگان پرخاشگری رابطه معناداری و منفی وجود دارد و با افزایش پرخاشگری، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود

۷- آزمون فرضیه هفتم

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و نشانگان ترس مرضی رابطه معناداری و منفی وجود دارد و با افزایش ترس مرضی، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود.

۸- آزمون فرضیه هشتم

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و نشانگان افکار پارانوییدی رابطه معناداری و منفی وجود دارد و با افزایش افکار پارانوییدی، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود

۹- آزمون فرضیه نهم

جهت بررسی فرضیه فوق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که بین شادکامی و نشانگان روانپریشی رابطه معناداری و منفی وجود دارد و با افزایش روانپریشی، شادکامی کاهش می یابد، بنابراین فرضیه تایید می شود.

نتیجه گیری کلی تحقیق

شادکامی از جمله موضوعاتی میباشد که از دیر باز اندیشمندانی نظیر ارسطو زنون و اپیکور را به بحث پیرامون خود وادار نموده است. روانشناسان، در سالهای آخر قرن بیستم به احساسات مثبت توجه نموده و روزه روز به این توجه افزوده اند. در این راستا هدف این تحقیق تعیین ارتباط بین شادکامی و نشانگان روانشناختی در بین کارکنان بانک توسعه تعاون بود و نتایج این تحقیق نشان داد که بین نشانگان روانشناختی و شادکامی هم در نمره کلی و هم در زیرمقیاسها ارتباطات و منفی معنی داری وجود دارد. یعنی هر اندازه افراد از شادکامی بالاتری برخوردار باشند، نشانگان روان شناختی پایین خواهد آمد.

به منظور بررسی درستی فرضیه ها با مطالعات دیگر، مورد مقایسه قرار گرفت و نشان داد که نتایج این مطالعه با به مطالعات انجام شده همسو است که برای مثال آوریل و همکاران (2002) نشان دادند شکایات جسمانی با شادکامی رابطه منفی دارد.

و در پژوهش هایی دیگر که پیامدها و آثار منفی آن نظیر افسردگی (گیلبرت، 1992، 1998 به نقل از گیلبرت، 2000؛ سنگمون، ریان و راندال اس، 2011؛ لابی و همکاران، 2009؛ اورت، برکینگوبارخاردت، 2006؛ روییز و هولنستین، 2009)، اضطراب (فرگاس و همکاران، 2010)، اختلال اضطراب (بادن، 2009)، خود سرزنشی (تریبای و برانو، 2012)، آسیب روانی و خشم (تانجی و دیرینگ، 2004؛ الیسون، 2005؛ پورشهریاری، 1388)، و ناسازگاریهای روان شناختی کلی را (تانجی و همکاران، 1992؛ وین و همکاران، 2003؛ آوریل و همکاران، 2002) بررسی کرده اند و نشان دادند که با شادکامی رابطه منفی دارد.

۵-۴- پیشنهادها کاربردی

پیشنهادها از نتایج فرضیه ها استخراج شده است و می توان گفت بایستی به آن توجه شود.

۱. نشانگان شکایات جسمانی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۲. نشانگان وسواس اجباری با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.

۳. نشانگان حساسیت در روابط بین فردی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۴. نشانگان افسردگی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۵. نشانگان اضطراب با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۶. نشانگان پرخاشگری با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۷. نشانگان ترس مرضی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۸. نشانگان افکار پارانوییدی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۹. نشانگان روانپریشی با شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون رابطه منفی و معنی دار دارد.
۱۰. نشانگان روانشناختی بر روی شادکامی کارکنان بانک توسعه تعاون تاثیر منفی و معنی دار دارند.